فصلنامه علمی- پژوهشی

تاملاتی در باره موضوعات ملی و مذهبی در نقاشی قهوه خانه ای*

کاظم چلیپا دکتر مصطفی گودرزی*** دکتر علی اصغر شیرازی******

تاریخ دریافت مقاله : ۸۹/۶/۱۷
تاریخ پذیرش مقاله : ۸۹/۱۱/۲۶

چکیده

نقاشی ایران با ادبیات فارسی و مضامین ملی و مذهبی پیوندی ناگسستنی دارد و شاهد این ادعا، وجود نسخ ارزشمند نگارگری است که در موزه های ایران و جهان به یادگار مانده و هرکدام از آن ها براساس یکی از متون ارزشمند زبان فارسی و موضوعات ملی و مذهبی به وجود آمده است. نقاشی خیالی نگاری هم به عنوان یکی از شاخه های نقاشی ایرانی پیوندی تنگاتنگ با ادبیات پارسی داشته و موضوعات آن اغلب بر محور وقایع زندگی پهلوانان ملی و مذهبی شکل گرفته است. به دلیل خاستگاه مردمی نقاشی خیالی نگاری و ارتباط بی واسطه هنرمندان آن با قشر عامه جامعه، این نقاشان توجه ویژه ای نسبت به خواسته ها و علاقه مندی های مردم دارند. مقاله پیش رو با هدف مشخص نمودن علل گرایش نقاشان خیالی نگاری به ادبیات مکتوب و شفاهی حماسی و پهلوان محور و موضوعات مذهبی، به دنبال پاسخ این پرسش است که آیا گرایش به مضامین ادبی، ملی و مذهبی در نقاشی خیالی نگاری همچون نگارگری ایرانی بوده و یا دلایل دیگری سبب این گرایش شده است.روش تحقیق این مقاله به شیوه توصیفی و تحلیلی بوده و نمونه های مورد استفاده، به صورت انتخابی از بین شاخص ترین آثار نقاشی قهوه خانه ای برگزیده شده است.

واژگان کلیدی

نقاشی قهوه خانه ای، خیالی نگاری، موضوعات ملی و مذهبی، حماسه، ادبیات عامه.

* این مقاله مستخرج از رساله دکترای کاظم چلیپا با عنوان: «**بررسی تاثیر هنر و ادبیات ملی و مذهبی بر نقاشی خیالی نگاری (قهوه خانه ای)**» در دانشکده هنر دانشگاه شاهد می باشد.

** عضو هیات علمی و دانشجوی دکترای پژوهش هنر، دانشکده هنر دانشگاه شاهد شهرتهران، استان تهران
Email: chalipa@shahed.ac.ir

*** عضو هیات علمی و استادیار پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران، شهرتهران، استان تهران
Email:goudarzi@ut.ac.ir

**** عضو هیات علمی و استادیار دانشکده هنر دانشگاه شاهد، شهرتهران، استان تهران
Email:a-shirazi41@yahoo.com

Archive of SID
www.SID.ir

تصویر ۱- گذشتن سیاوش از آتش، شاهنامه فردوسی، حسن اسماعیل زاده، بدون تاریخ، ۱۴۰،۱۰۰، ماخذ: مجموعه شخصی

مقدمه

ایرانیان ملتی هنرمند و دوست دار زیبایی هستند. هنر ایرانی زمانی به صورت آثار ادبی شاخص همچون شاهنامه فردوسی، مثنوی مولوی و دیوان غزلیات حافظ، و گاهی به صورت مسجد شیخ لطف الله به جهان عرضه شده است، هنر ایرانی گاه در نوای حزن انگیز نی و گاهی نیز به صورت نقش و نگارهای دلپذیر قالی جلوه کرده است. یکی از مهم ترین تجلی گاه های این هنر متعالی که جلوه های کم نظیر روح ایرانی و اسلامی در آن حلول کرده، نقاشی خیالی نگاری یا قهوه خانه ای بوده است.

نقاشی قهوه‌خانه شیوه‌ای از نقاشی ایرانی است که در اواخر دوره قاجار و هم زمان با نهضت مشروطه به اوج خود نزدیک شد. ریشه های این نقاشی را محققین به دوره آل بویه نسبت داده اند، گویا زمانی که حکام آل بویه دستور برپایی مراسم مذهبی برای سید و سالار شهیدان، حضرت امام حسین (ع) را صادر کردند، اولین پرده های نقاشی مذهبی به شیوه نقاشی خیالی نگاری به وجود آمد. پس از آن، در دوره صفوی و زمان سلطنت شاه اسماعیل اول بر ایران، به دلیل ترویج روحیه سلحشوری در سربازانی که عازم نبرد با دشمنان ازبک و عثمانی بودند، پرده هایی از واقعه عاشورا همراه سپاهیان فرستاده می شد که نقالانی با نقالی این پرده ها، روحیه نبرد زیر پرچم تشیع را برای سربازان زنده می کردند. این نقاشی، زبانی روایی با درون‌مایه‌های رزمی، مذهبی و بزمی دارد. نقاشی قهوه خانه، بازتابی اصیل و صادق از هنر هنرمندانی عاشق، و از تبار مردم ساده دل و آیینه صفت کوچه و بازاراست. هنرمندانی که در ستایش راستی و مردانگی، نقشمی زدند. نقاشی قهوه‌خانه در تاریخ نقاشی ایران پدیده‌ای نوظهور بوده که تلفیقی از ارزش‌های مذهبی و ملی و میهنی ایرانیان است و بیش‌تر دارای نقش‌هایی از حماسه‌های جانبازی و ایثار پیشوایان دینی و امامان شیعه (ع)، و نیز پهلوانان ملی ایران می‌باشد. درون‌مایه بسیاری از این نقاشی‌ها، حادثه عظیم عاشورا و داستان های شاهنامه است.

البته آثار این هنرمندان را از نظر موضوع کلی می‌توان به دو دسته نقاشی‌های مذهبی و غیرمذهبی تقسیم کرد. نقاشی‌های مذهبی مجموعه‌ای از چهره‌های پیشوایان و بزرگان دین،صحنه‌هایی از جنگ‌ها و نبردهای معروف پیامبر اسلام(ص) و حضرت علی(ع) و وقایع کربلا را در بر می‌گیرد. نقاشی‌های غیرمذهبی مجموعه‌ای بزرگ از داستان‌های رزمی و بزمی ایرانی را شامل می‌شود که حاوی رخدادهای افسانه‌ای و حماسی و تاریخی و چهره‌هایی از شاهان و قهرمانان شاهنامه و صحنه‌هایی از میدان‌های نبرد و عرصه‌های عشق ورزی و دلدادگی قهرمانان و بزم گاه‌های پادشاهان است.

پیشکسوتان نامدار نقاشی قهوه‌خانه‌ای دو نقاش به نام‌های استادحسین قوللر آغاسی ۱، فرزند استاد علیرضا، نقش‌انداز

۱ - قوللر آغاسی یکی از بنیان گذاران شیوه خیالی نقاشی سنتی معروف به نقاشی قهوه خانه است. او نخستین کار نقاشی از داستان های شاهنامه و واقعه کربلا را به سفارش مشهدی صفر اسکندریان، قهوه چی قهوه خانه معروف به مشد صفر در میدان سید اسماعیل، بالای آب انبار سید اسماعیل آغاز کرد. هفته ها، شبانه روز در این قهوه خانه می ماند و داستان هایی را که از زبان شاهنامه خوان و نقال قهوه خانه می شنید، بر روی پرده و بوم می آورد.قوللر آغاسی سرانجام در آذر ماه ۱۳۴۵ از دنیا رفت و درمسگرآباد به خاک سپرده شد. منبع: (سیف، ۱۳۶۹)

Archive of SID
www.SID.ir

تصویر۲- حضرت یوسف (ع) و برادرانش، اثر حسین قوللر آغاسی، ۱۳۲۵ ه.ش، ۸۹،۱۳۹، ماخذ: موزه رضا عباسی

تصویر۳- دارالانتقام مختار، اثر محمد مدبر، بدون تاریخ، ۱۲۶،۱۸۷، ماخذ: موزه رضا عباسی

روی کاشی و پارچه، و محمد مدبر[1] می باشد.
حسین قوللر و محمد مدبر بعدها شاگردانی را پروراندند که پس از خودشان از مهم‌ترین نقاشان قهوه‌خانه به حساب می‌آیند: عباس بلوکی‌فر از ماهرترین شاگردان حسین قوللر آغاسی است. حسن آقا اسماعیل‌زاده (چلیپا)[2] نیز از شاگردان استاد محمد مدبر است. از دیگر شاگردان این

۱ - محمد مدبر در هفت سالگی یتیم شد. در خردسالی در تعزیه خوانی های تکیه دولت به نقش یکی از طفلان مسلم در می آمد. ده- دوازده ساله بود که به شاگردی نزد استاد علی رضا قوللر رفت. در کارگاه کاشی سازی استاد علی رضا با پسر او، حسین، آشنا شد. هر دو در این کارگاه به آموختن راز و رمز نقاشی و رنگ آمیزی روی کاشی پرداختند و در قهوه خانه های سر پل دربند، قهوه خانه مش صفر در میدان سید اسماعیل و قهوه خانه عباس تکیه، به سفارش صاحبان قهوه خانه تابلو و پرده می کشید و از این راه زندگی می کرد.
استاد محمد مدبر دومین بنیان گذار مکتب نقاشی به شیوه قهوه خانه ای بود. قلمی پرتوان و شکوهنده در هنر تصویر سازی در زمینه وقایع کربلا و حماسه‌های مذهبی بر پرده درویشی و بوم نقاشی داشت. اغلب با صدای خوشی که داشت، نوحه می خواند و انگار آن چه را که می خواند دارد نقاشی می کند. به سبب همین شیفتگی و اخلاص بود که او را نقاش عاشورا می خواندند. محمد مدبر خود چنین گفته است: «من عمری در کربلا زندگی کرده‌ام، اگرچه هرگز پایم به خاک داغ کربلا نرسیده اما من کربلایی هستم».
۲-مرحوم استاد حسن اسماعیل‌زاده که تخلص هنری خویش «اسماعیل‌زاده» را از نام پدر «اسماعیل» وام گرفته است، در سال ۱۳۰۱ در زنجان چشم به جهان گشود. در کودکی همراه خانواده‌اش به تهران مهاجرت کرد و در سن هشت سالگی، مادرش مرحوم استادمحمد مدبر را برای تعلیم وی برگزید. نقاشی‌های او خط، سبک و رنگ قلم استادش مدبر را به یاد می آورد. برخی او را مدبر زنده می‌خواندند، با این تفاوت که حسن آقای اسمعیل زاده ملایم‌تر و نرم‌تر از محمد مدبر کار می‌کرد. استاد حسن اسماعیل‌زاده تابلوهای زیادی در زمینه حماسه‌های مذهبی و ملی و موضوع‌های رزمی و بزمی و آداب و سنن زندگی مردم کشیده است.

www.SID.ir

تصویر ٤- رستم در بارگاه حضرت سلیمان (ع)، اثر حسین قوللر آغاسی، بدون تاریخ، ١١٧،١٨٦، ماخذ: موزه رضا عباسی

مکتب باید به نام‌هایی همچون فتح‌الله قوللر (پسرخوانده حسین قوللر)، حسین همدانی،محمد حمیدی و محمد فراهانی اشاره کرد.شاگردان این گروه نقاش، سبک و شیوه کار این دو استاد را در نقاشی‌های مذهبی و غیرمذهبی روی پرده بوم ادامه داده و زنده نگه داشتند.

این مقاله در پی آن است تا ابعاد نقاشی خیالی نگاری (قهوه خانه ای)را مورد بررسی قرار داده و ارتباط آن با مضامین ادبی و موضوعات ملی و مذهبی را مورد مطالعه قرار دهد. یکی از مهم ترین ویژگی های نقاشی خیالی نگاری، محوری بودن ادبیات حماسی در عمده این آثاراست که در قالب رزم های پهلوانان ملی و مذهبی شکل گرفته است. البته دیگر مضامین ادبی و ادبیات عامی نیز مورد توجه آن ها بوده است، اما در واقع اصلی ترین بخش آثار این گروه از نقاشان را حوادث حماسی شخصیت های اسطوره ای ملی و مذهبی تشکیل داده است،که اطلاعات آن ها نیز نه به طور مستقیم از کتب ادبی،بلکه با واسطه از زبان پرده خوانان و نقالان به گوش آن ها می رسیده است.نقاشی ایران پیوند دیرینه ای با ادبیات، به ویژه ادبیات حماسی و عرفانی داشته است، در دوره های پیشین، محوریت بر ادبیات بود و به نوعی نگارگری در خدمت ادبیات به کار گرفته می شد امادر دوره صفویه، زمانی که نقاشی به استقلال خود رسید، ادبیات از نگارگری جدا شد و به دلایل مختلف توجهی جدی به ادبیات نشد،[1] در بازگشت دوباره شاخه ای از نقاشی ایران به ادبیات این سئوال پیش می آید که حضور ادبیات در نقاشی خیالی نگاری چگونه است،آیا همانند دوره های اولیه نگارگری بوده و یا وضعیت دیگری داشته است. در این نوشتار نقش وعلل گرایش به ادبیات در حوزه خیالی نگاری مورد بحث قرار می گیرد.

الف-نقاشی قهوه خانه ای و زمینه های شکل گیری آن

نقاشی قهوه خانه ای یکی از چهار جریان موازی در نقاشی معاصر ایران است: نقاشی قهوه خانه، نگارگری جدید، نقاشی آکادمیک، نقاشی نوگرا. (پاکباز، ١٣٨٠، ١٨٦)این جریان از دوره مشروطیت به صورت جدی آغاز شده و دوران اوج آن مربوط به زمام داری پهلوی اول است. گرچه پیشینه شکل گیری آن به دوره صفویه باز می گردد.[1]

نقاشی قهوه خانه ای را می توان هنری شکل گرفته توسط نقاشانی بی ریا و پاک دل توصیف کرد که فارغ از سبک ها و گرایش های هنری گوناگون، مهم ترین دغدغه آن ها بیرون کشیدن آرمان ها و اسطوره های مردمی از دل تاریخ و بازسازی آن ها در قالب تابلوهای نقاشی بوده است. با نقاشی قهوه خانه، هنر تصویر سازی توانست به میان مردم عادی آمده و از انحصار طبقات اشرافی جامعه خارج شود. به عبارت دیگر با این جریان بود که هنر نقاشی پس از سده ها از درون کاخ ها و دربارها و از درون کتاب های نفیس و پر تجمل بیرون آمده و در دسترس مردم عادی قرار گرفت.

١- در دوره صفویان نقاشی ناتورالیسم اروپا بنابه علل گوناگون وارد ایران شد و نظر نقاشان ایرانی را به خود معطوف داشت، بـــه گونه ای که از اصول و قواعد این نوع نقاشی الگوبرداری کردند و از این زمان به بعد بود که عنوان فرنگی سازی به اسلوبی اطلاق شد که عناصر نقاشی اروپایی- برجسته نمایی، حجم نمایی، نقشمایه‌های اروپایی-رابه‌کـــار می‌گرفت(آژند، ١٣٨٥، ١٨٥) در این فضای بین‌المللی، تحولی تدریجی درسلیقه‌دربار صفوی وثروتمندان اصفهانی به‌وجـــود آمد.اکنون، نقاشی‌های اروپایی و شبه‌اروپایی بیش از نگاره های سنتی مقبول می افتاد. حتی ممکن بود که خود شاه نیز نقاشان دربار را به تقلید از نمونه های خارجی ترغیب کند. [...] بسیاری از نقاشان این دوره استعدادشان را عمدتا در تزئین اشیایی چون قلمدان ها، قاب آینه، جلدکتاب،صندوقچه‌جواهر،سینی و جز این ها به کار بردند. [...] پنج نسل از نقاشان ایرانی - از محمد زمان تا مزین‌الدوله - با جدیت تمام یک هدف را دنبال می کردند، و آن درک اصول طبیعت‌نگاری اروپایی بود.(پاکباز، ١٣٨٠، ١٦٩-١٣٤)

Archive of SID
www.SID.ir

تصویر ۵- مراسم شب چله، اثر حسن اسماعیل زاده، بدون تاریخ، ۸۰، ۱۲۰، ماخذ: مجموعه شخصی

نقاش قهوه خانه ای از میان اصناف برخاسته بود و اغلب حرفه دیگری همچون کاشی کاری، گچ بری، نقاشی ساختمان و غیره داشت. او بنا به ایمان و علاقه خود و از طریق تجربی، فن پرده نگاری رنگ روغنی را آموخته بود و اسلوب ها و وسایل بیانی متداول را بر حسب سلیقه و روش خاص خود به کار می گرفت. «هدفش صراحت و سادگی بیان، و اثر گذاری هرچه بیش تر بر مخاطب بود. از همین رو، غالبا در پرده اش نام اشخاص را در کنار تصویر شان می نوشت؛ شخصیت اصلی را بزرگ تر از اشخاص فرعی نشان می داد و یا از قرار دادهای تصویری معینی برای تاکید بر جنبه های مثبت یا منفی شخصیت ها استفاده می کرد. پای بندی به روایت گری، هیچ گاه نقاش را از خیال پردازی و تمثیل سازی باز نمی داشت. اگر چه کمابیش شگردهای برجسته نمایی و ژرف نمایی را به کار می برد، صحنه ها را با شیوه و اسلوبی آزاد و بدون رجوع مستقیم به مدل به تصویر می کشید. خود نقاشان، عنوان خیالی سازی را برای آثارشان برگزیده بودند تا از نقاشانی که به واقعیت عینی می پرداختند، متمایز باشند». (پاکباز، ۱۳۷۸، ۵۸۸)

ب- موضوعات نقاشی قهوه خانه ای

اگرچه آثار هنرمندان فعال در حوزه نقاشی قهوه خانه ای را از جنبه موضوع کلی می‌توان به دو دسته نقاشی‌های مذهبی (مجموعه‌ای از چهره‌های پیشوایان، بزرگان دین و مذهب و صحنه‌هایی از جنگ‌ها و نبردهای معروف پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) و رویدادهای کربلا) و نقاشی‌های غیرمذهبی شامل مجموعه‌ای بزرگ از داستان‌های رزمی و بزمی ایرانی که به رویدادها و اتفاقات افسانه ای، حماسی، تاریخی، و چهره‌هایی ازشاهان و قهرمانان شاهنامه و صحنه‌هایی از میدان‌های نبرد و عرصه‌های عشق ورزی و دلدادگی قهرمانان و بزم گاه های شاهان تقسیم کرد اما برخی این نوع نقاشی را از نظر محتوی به سه گروه کلی تقسیم می کنند: «ملی» بر گرفته از ادبیات و حماسه های ملی ایران «بومی و سنتی» بر گرفته ازآداب و رسوم رایج در بین عوام و اقوام ایرانی و«مذهبی» که بازتاب روایت ها، احادیث، داستان ها و حماسه های اسلامی است. در نگاه دقیق تر، موضوعات مورد استفاده در نقاشی قهوه خانه ای که به صورت مکتوب و شفاهی به این نوع نقاشی خیالی نگاری انتقال پیدا کرده را می توان به شکل زیر تقسیم کرد:

۱- **موضوعات حماسی (ملی و مذهبی)**: که موضوع اصلی این مقاله درباره آن ها می باشد و در بخش ملی با شاهنامه فردوسی، و در بخش مذهبی بیش تر با واقعه عاشورا و حوادث مرتبط با آن معرفی می شود. (تصویر ۱)

۲- **موضوعات تغزلی**: منابعی مانند شاهنامه فردوسی در بخش هایی مثل داستان بیژن و منیژه و داستان رستم و تهمینه و همین طور در خمسه نظامی با ماجراهای لیلی و مجنون و یا بهرام گور و آزاده به نمونه هایی قدیمی از آن ها بر می خوریم.

۳- **موضوعات اخلاقی**: گستردگی این موضوع به حدی است که بسیاری از آثار گروه های دیگر را هم دربرمی گیرد. به این صورت که هرکدام از آثار نقاشی قهوه خانه ای که علاوه بر موضوع اصلی، بار اخلاقی نیز داشته باشد در این گروه قابل طبقه بندی است. در این بین آثاری مانند نقاشی با موضوع یوسف و زلیخا که هم در قرآن مجید و هم در آثار ادبی (که به صورت مکتوب و شفاهی به آن اشاره شده) یکی از اصیل ترین موضوعات اخلاقی در نقاشی قهوه خانه ای است.(تصویر ۲)

۴- **داستان های عامیانه**: داستان هایی هستند که در بین مردم مرسوم بوده و سینه به سینه به نسل امروز انتقال پیدا کرده اند. در نمونه هایی از این آثار، شاهد بوده ایم که افسانه های قدیمی منطقه کندلوس توسط مرحوم استاد اسماعیل زاده به تصویر در آمده و هم اکنون در موزه ها از آن ها نگه داری می شود.(تصویر ۳)

۵- **اشعار عامیانه**:«بخشی از ادبیات عامیانه شامل اشعار عامیانه است، که در میان آن ها مرثیه، نوحه، مولودی و مدایح مذهبی از انواع اشعار عامیانه مذهبی به شمار می آیند که نام برخی از سرایندگان آن ها در ادبیات رسمی ما مشخص هستند». (فاضلی، ۱۳۸۵، ۸۲ - ۸۵) اشعار عامیانه و اصولا ادبیات عامیانه به سبب ویژگی های تاثیرگذار در سنت های رفتاری و گفتاری جامعه جایگاه مهمی را در تاثیر نهادن بر شکل گیری نقاشی قهوه خانه ای دارند، زیرا نقاش قهوه خانه ای بیش از آن که با بهره گیری از متون به تصویر روایت های مذهبی و حماسی بپردازد، از اقوال، نقالان و مداحان و آداب و آئین های مردم زمانه خویش الهام گرفته است. ویژگی های اجتماعی ادبیات عامیانه به دلیل این که اعتبار و ارزش خود را از پیوند با واقعیت های جامعه باز می یابند دارای تاثیر و اهمیت اساسی هستند.

۶- **عقاید عامیانه**: در بعضی از تابلوهای بارگاه حضرت سلیمان (ع) شاهد این گونه آثار هستیم؛ در برخی از این آثار شخصیتی مانند رستم بر روی تختی مجلل در بارگاه حضرت سلیمان (ع) ترسیم شده است، این اثر می تواند

ادامه از صفحه قبل

۱- در این زمینه گزارش های تاریخی وجود دارد، مانند اینکه در دوره صفوی از پرده های نقاشی برای تهییج روحیه جنگاوران شیعه در مسیرهای حرکت سپاه استفاده می شده است (کاهن و کبیر ، ۱۳۸٤، ۲۲٤) و پرده هایی که شاید به دلیل وضعیت کاربری آن ها بی شباهت به پرده های مورد استفاده توسط درویشان و نقالان سده اخیر نباشد. در کنار این ها، کاشی کاری اواخر دوره صفوی، زندیه و اوایل قاجار را نیز در کنار روش های جدید نقاشی رنگ و روغن می توان از مقدمات شیوه های شکل گیری نقاشی قهوه خانه ای نام گذاری کرد.

Archive of SID
www.SID.ir

تصویر ٦- داستان جوانمرد قصاب، فتح الله قوللر آغاسی، بدون تاریخ، ۱۳۵،۲٦۲، ماخذ: موزه رضا عباسی

نمونه ای کامل از تاثیر عقاید عامیانه بر کار نقاش قهوه خانه ای لقب گیرد، زیرا عقاید عامیانه مردم باعث حضور رستم در این بخش از داستان حضرت سلیمان (ع) شده است. (تصویر ٤)

۷- موضوعات و خواسته های شخصی: با رونق نقاشی قهوه خانه و گرایش عموم مردم به آن ها ، شاهد شکل گیری داستان های دیگری نیز بوده ایم. داستان هایی که اغلب مطابق با سلیقه سفارش دهنده به وجود می آمد و گاه زندگی روزمره مردم مانند مراسم عقد و جشن عروسی و یا داستان های مورد علاقه آنان را به تصویر می کشید.(تصویر ٥)

ج- نقش سفارش دهندگان در شکل گیری موضوعات

با شکل گیری هنر خیالی نگاری، مردم توانستندخواسته های خود را به نقاش قهوه خانه ای سفارش داده و آثار به وجود آمده را در محل کسب و کار و یا زندگی خود قرار دهند. به همین دلیل بود که قصابان، داستان جوانمرد قصاب، زورخانه ها تصویر پهلوانان و قهرمانان ملی و مذهبی و قهوه خانه دارها تصاویر تراژیک و تاثیر گذار را به نقاشان قهوه خانه سفارش دادند؛ «شاید بتوان قهوه خانه را خاستگاه این نوع نقاشی دانست (زیرا، نه فقط پیوندی نزدیک با نقالی داشت؛ بلکه صاحبان قهوه خانه از نخستین سفارش دهندگان آن به شمار می آمدند). با این حال، این پرده ها علاوه بر قهوه خانه ها، در محل های عزاداری، دکان ها، زورخانه ها و حمام ها نیز آویخته می شدند. موضوع پرده، محل نصب آن را معین می کرد. (مثلا موضوع روز عاشورا برای تکایا، و موضوع جوانمرد قصاب برای دکان های قصابی)».(پاکباز، ۱۳۷۸، ٥۸۷)(تصویر ٦)

در واقع یکی از تاثیرگذارترین عوامل هدایت گر موضوع های نقاشی خیالی نگاری، خواسته های مردمی بود. حتی برخی از سفارشات نیز متناسب با شغل آنان و برای نصب در مکان کاری آن ها به وجود می آمد. برای برآورده ساختن برخی از نیازهای مردمی بود که خیالی نگاران نیاز پیدا کردند به منابع ادبی رجوع کنند، و همین دلیل بود که باعث شکل گیری موضوعات متنوع در آثار آن ها گردید.

در جایی مثل تابلوی رزم رستم و اشکبوس(تصویر ۷) نیز توصیف زیبا و شورانگیز ادبی را می توان دلیلی برای مراجعه نقاش قهوه خانه ای به این داستان در نظر گرفت:

تهمتن به بند کمر برد چنگ
گزین کرد یک چوبه تیر خدنگ
یکی تیر الماس پیکان چو آب
نهاده برو چار پر عقاب
کمان را بمالید رستم به چنگ
به شست اندر آورد تیر خدنگ
برو راست خم کرد و چپ کرد راست
خروش از خم چرخ چاچی بخاست
چو سوفارش آمد به پهنای گوش
ز شاخ گوزنان برآمد خروش
چو بوسید پیکان سرانگشت اوی
گذر کرد بر مهره پشت اوی
بزد بر بر و سینه اشکبوس
سپهر آن زمان دست او داد بوس
قضا گفت گیر و قدر گفت ده
فلک گفت احسنت و مه گفت زه

Archive of SID

www.SID.ir

کشانی هم اندر زمان جان بداد
چنان شد که گفتی ز مادر نزاد
(شاهنامه، ۱۳۸۷، ۵۳۶)

د- نقش حوادث سیاسی و اجتماعی در گرایش نقاشان قهوه خانه ای به موضوعات خاص

با شکل گیری جریان مشروطیت و بیداری عمومی مردم و آگاهی آن ها از اوضاع مملکت، در عرصه فرهنگ و هنر نیز شرایط جدیدی به وقوع پیوست. مردم ایران با مشاهده اوضاع جدید و سرکوب جریان های آزادی خواهانه و درحالی که رهبران و سران ملی و مذهبی خود را غرق در خاک و خون می دیدند، درگیر نوعی جهان بینی جدید هم شدند.مردم ایران هر روز شاهد فتنه های جدید و پیچیده استعمار از یک سو، و فشارهای استبداد داخلی از سوی دیگر بودند. آنان که در زندگی واقعی خود با مشاهده نابسامانی ها و ریاکاری ها، امیدی به بهبود وضعیت و نابودی اژدهای هفت سر استعمار و استبداد نداشتند، به طور ناخودآگاه به سمت قهرمانان و پهلوانان اسطوره ای و تاریخی کشیده شدند و یاد آن ها را دوباره زنده کردند.

« موج تجدد خواهی بر خاسته از مشروطیت ادبیات را سخت تکان داده و تحول در نقش نیز اجتناب ناپذیر بود».(شایسته فر ، ۱۳۸۶، ٦)

ادبیات حماسی ملی و مذهبی به دلیل شرایط خاص اجتماعی دوران پس از مشروطیت و به دلیل نیاز روحی مردم کوچه و بازار به این مضامین مورد توجه گسترده آن ها قرار گرفته و در کنار هنرهایی مانند نقالی، پرده خوانی و تعزیه، نقاشی قهوخانه نیز حرکت رو به جلوی خود را آغاز نمود. این سال ها را می بایست دوره ای برای شکل گیری نقاشی قهوه خانه ای دانست. هنری که به خواست مستقیم مردم و توسط هنرمندانی از دل همین مردم به وجودآمد.[۱]

عمده ترین اسطوره ها و داستان های پهلوانی ایران را می توان به دو دسته ملی و مذهبی تقسیم کرد؛ دسته ملی با پهلوانانی که اغلب از دل شاهنامه فردوسی بیرون آمده است و دسته مذهبی با دلاوران عرصه عاشورا شناخته می شوند. نیروهای خیر و شر و تقابل آن ها با هم در نقاشی قهوه خانه ای از جایگاه مهمی برخوردار است، جایگاهی که از خواست مردم برای پیروزی نهایی خیر بر شر حکایت دارد؛ «کوشش نقاشی قهوه خانه در بازنمایی صحنه و نمایش ویژگی های ظاهری و درونی آدم ها، همواره تحت تاثیر جانب داری او از نیروهای خیر است. او با همین انگیزش اخلاقی و عقیدتی، و بنا بر منطق روایی پرده هایش، قراردادهای خاصی را در طرز ترسیم پیکره ها و جامگان، رنگ گزینی و ترکیب بندی رعایت می کند».(همان، ۵۵۸) ریشه این توجه جدی به نیروهای خیر در مقابل نیروهای اهریمنی را می توان در روزگار پس از انقلاب مشروطه شناسایی کرد.

دوره ای که آگاهی مردم افزایش پیدا کرده و حساس آن ها نسبت به استعمارگران و حاکمان زورگوی وقت افزایش پیدا می کند. با روی کار آمدن رضا خان در اواخر دوره قاجار و سرکوب چهره های ملی و مذهبی ایران، مردم که نسبت به وقایع اطراف خود حساسیت شده بودند، قهرمانان سرکوب شده خود را در میان پرده های نقاشی قهوه خانه ای جست وجو کردند.به این ترتیب با سرکوب آزادی خواهی در بین مردم، قهرمانان گذشته ملی و مذهبی ایران از دل تاریخ بیرون آمده و نوید مقاومت و پیروزی نهایی خیر بر شر را سر دادند. «این گونه نقاشی که آمال و علایق ملی، اعتقادات مذهبی، و روح فرهنگ خاص لایه های میانی جامعه شهری را بازمی تابد، پدیده ای جدید تر از سایر قالب های نقاشی عامیانه (چون پرده کشی، دیوار نگاری بقاع متبرکه، نقاشی پشت شیشه با مضمون مذهبی، و جز این ها) بود.داستان های شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی، وقایع کربلا، قصص قرآن و حکایت های عامیانه موضوع اصلی این نقاشی ها را تشکیل می دهند.نقاش این موضوع ها را مطابق با شرحی که از زبان نقال، تعزیه خوان، مداح و روضه خوان می شنید، و همان گونه که در ذهن مردم کوچه و بازار وجود داشت، به تصویر می کشید». (پاکباز، ۱۳۷۸، ۵۸۷)

ه- ویژگی های مشترک و شخصیت های محوری در موضوعات ملی و مذهبی

حماسی بودن موضوعات ملی و مذهبی در نقاشی قهوه خانه ای را می توان نقطه مشترک این آثار نام گذاری کرد. شاید در نگاه اول این گونه به نظر برسد که موضوعات ملی و موضوعات مذهبی ماجرایی جداگانه از هم دارند، ولی این دو موضوع در موارد ظریفی آن چنان به هم نزدیک شده اند که شاید بعضی از آثار را به زحمت بتوان در ذیل یکی از این دو سرفصل کلی طبقه بندی کرد.

آرمان های مشترک قهرمانان و پهلوانان ملی و مذهبی در فرهنگ ایرانی و اسلامی را می توان دلیل این امر دانست. وجود کلید واژه های مشترک بین قهرمانان ملی و قهرمانان مذهبی و رشادت آن ها در راه حق که با روی کار آمدن حکومت ها و دولت های مستبد و زورگو در دوران پس از مشروطه، مورد استقبال مردم قرار گرفته بود، دلیلی شد برای رویکرد جدی نقاشان قهوه خانه ای به این موضوعات و به تصویر کشیدن فصل مشترک و پیام اصلی این داستان ها توسط جریانی به نام نقاشی قهوه خانه ای.

و- پا سخ گویی به نیاز های ملی مردم با اضافه نمودن ویژگی های اسلامی

از زمان حسین قوللر آغاسی و محمد مدبر یعنی دو تن از نقاشان معتبر و جریان ساز نقاشی قهوه خانه، مهم ترین سفارش دهندگان این آثار، قهوه خانه دارها بوده اند که به طور مستقیم و پیوسته با مردم سر و کار داشته و خواست های درونی و قلبی آن ها را به نقاشان سفارش می داده اند، در این دوره و در تعدادی از آثار می بینیم که دوباره رویاها و آرمان های یک ایرانی مسلمان شیعه که با وجود آگاهی از عدم واقعیت تاریخی در مسلمان بودن سیاوش، آیه ۱۳

۱-دراین میان جنگ های ایران با کشورهایی مانند روسیه در رواج این آثار نیز تاثیر گذار بود. در جایی که حفاظت از آب و خاک مطرح بود، پهلوانی ها، رزم رستم وجنگ با افراسیاب، و حماسه های فردوسی و غیره و زمانی که دفاع از مذهب ضروری بود، حماسه کربلا و جان فشانی ها، ایثار، شهادت ها و ... تاثیر خود را بر نقاشان و سفارش دهندگان آثار باقی می گذاشت.

Archive of SID
www.SID.ir

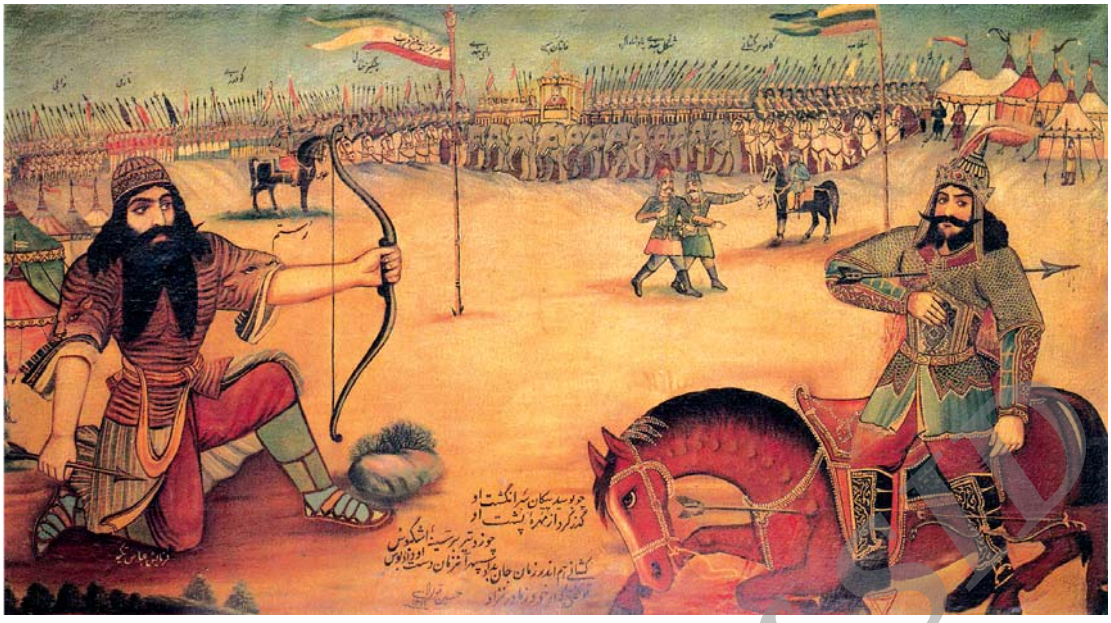

تصویر ۷- رزم رستم و اشکبوس، شاهنامه فردوسی، حسین قوللر آغاسی، ۱۳۱۹ ه.ق، ۱۱۳،۲۱۲، ماخذ: موزه رضا عباسی

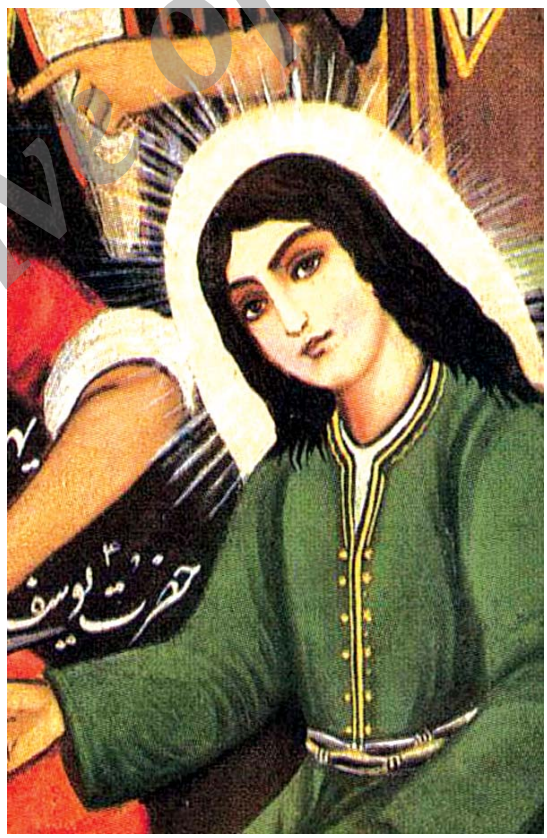

تصویر ۸- شمایل حضرت یوسف (ع)، بخشی از تصویر ۳

تصویر ۹- چهره سیاوش، بخشی از تصویر ۱

از سوره مبارکه صف[۱] را بر روی پرچم او نقش می بندد، نمود پیدا کرده و در نقاشی قهوه خانه ای متبلور می شود. (تصویر ۱)

زیرا نقاش و مخاطب او به خوبی می داند که حرکت سیاوش برای گذشتن از آتش در اثبات بی گناهی اش، حرکتی اسلامی و قرآنی بوده و نقطه روشن عملکرد او

۱-«وَ اُخرَی تُحبونها نَصرٌ مِنَ الله و فَتحٌ قریب و بَشرِ المؤمِنین» (صف، آیه ۱۳) به معنی «و باز تجارتی دیگر که آن را هم دوست دارید، نصرت و یاری خدا (در جنگ) و فتح نزدیک (سپاه اسلام) و بشارت رحمت به اهل ایمان است».

www.SID.ir

تصویر ۱۰- بخشی از زندگی پرافتخار حضرت علی (ع)، حسین همدانی، بدون تاریخ، ۱۳۵،۱۸۰، ماخذ: موزه رضا عباسی

همچون حضرت یوسف (ع) در مواجه با فتنه ای مشترک که برای هر دوی این شخصیت های ملی و مذهبی به وجود آمده، پناه بردن به خدا بوده است. (تصاویر ۸ و ۹) چنان چه پاسخ حماسی حضرت یوسف (ع) به کام جویی زلیخا و پاسخ سیاوش به وسوسه های سودابه ریشه در واژه ای به نام تقوا پیدا می کنند:

«و آن [بانو] که وي در خانه‌اش بود خواست از او کام گیرد و درها را [پیاپي] چفت کرد و گفت بیا که از آنِ توام. [یوسف] گفت پناه بر خدا او آقاي من است به من جايِ نیکو داده است قطعا ستمکاران رستگار نمي‌شوند».(یوسف، آیه ۲۳)

و در شاهنامه فردوسی در رابطه با سیاوش با ابیاتی مثل ابیات زیر شاهد برائت او از فتنه سودابه هستیم:

چنین گفت با دل که از کار دیو
مرا دور دارد گیهان خدیو
نه من با پدر بی وفایی کنم
نه با اهرمن آشنایی کنم
(شاهنامه، ۱۳۸۷، ۲۹۷)

ز- پاسخ گویی به علائق اسلامی و قرآنی مردم به کمک ادبیات فارسی

موضوعات مذهبی مانند داستان حضرت یوسف (ع) و حضرت سلیمان (ع) به طور مستقیم از قرآن مجید بر گرفته شده و دستمایه نقاش قهوه خانه ای قرار گرفته است.

تصویر ۱۱- مرگ سیاوش، شاهنامه فردوسی، حسن اسماعیل زاده، بدون تاریخ، ۱۳۵،۱۸۶، ماخذ: موزه رضا عباسی

« ادبیات هنری قرآن بر خلاف فرهنگ و ادبیات اساطیری، خیالبافی و افسانه گرایی را کنار گذارده و با رویکردی واقع نمایانه، اهداف انسان ساز خود را در قالب تصویر هایی زنده و باور پذیر ارائه می کند (فتاحی ثانی، سبزه وار، پوررضائیان،۱۳۸۸، ۸۱) اما در مواردی چنان که اشاره شد عقاید عامیانه نیز با آن همـــراه شده است. در کنار این ها داستان های مربوط به شخصیت های بزرگواری مثل حضرت امام حسین (ع)، حضرت علی اکبر (ع)، حضرت ابوالفضل (ع)، حضرت مسلم و مختار و یارانش نیز از طریق کتاب های مقاتل، تذکره هـــــا، مرثیه های معروفی مثل دوازده بند محتشم کاشانی و کتابی به نام حدیقه الشهدای ملا محمد فضولی که برگرفته از کتاب روضه الشهدای واعظ کاشفی است، عموما به طور غیر مستقیم به نقـــــاش قهوه خانه ای انتقال پیدا کرده است. اما از این رو غیر مستقیم گفته می شود که نقاش و مردم عامه کوچه و بازار این داستان ها و وقایع را از طریق پرده خوانان، تعزیه خوانان و روضه خوانان در ایام مذهبی مانند محرم وغیره می شنیدند و باید آنان را منبع اصلی برای انتقال داستان های مذهبی به نقاشان و مردم عادی در نظر بگیریم.[۱]

نقاشی شمایل و داستان های مربوط به حضرت علی (ع) نیزبخش دیگری از تصاویر مذهبی است که این بخش با تصاویر کتاب هایی مانندحمله حیدری و خاوران نامه از پیشینه طولانی برخوردار است، اما در مورد نقاشی قهوه خانه ای شاهد وضعیت منسجم تری هستیم و برخلاف تقدس و حماسه موجود در پرده های نقاشی، سعی شده واقعیات تاریخی نیز زیر مورد انتقاد قرار نگیرد.[۲] دلاوری ها و دستگیری های حضرت علی(ع) از مردم مظلوم و تصویر کردن بخش های مختلف از زندگی پرافتخار آن بزرگوار در یک تابلو بخشی از داستان های عامیانه و نقل های دهان به دهان مردم از ایشان و تمثال های آن حضرت نیز نمونه هایی از آرمان خواهی های ولایی مردم ایران را به تصویر می کشد.

وجود ذوالفقار در دستان حضرت علی(ع) که در

۱- در تکمیل این موضوع باید اشاره نمود بعـــضی اساتید نقاشـــــی قهوه خانه ای به وقایع عاشورا آگاهی کافی داشته اند؛ به عنوان مثال استاد حسن اسماعیل زاده (چلیپا) در گفت و گوهای مکرر بر این نکته تاکید می کرد که استادش، محمد مدبر، در جوانی به دلیل صدای خوبش، تعزیه خوانی می کرده و به همین دلیل به بسیاری از ابعاد زندگی حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) و وقایع پیرامون شخصیت ایشان، اشراف کامل داشته است.

۲-در این مورد، عقاید عامه چنان گسترش می یابد که افسانه هایی را به حضرت علی (ع) نسبت می دهند که واقعیت ندارد و گاه جایگاه او را در حد رستم شاهنامه فردوسی پائین می آورند. چنانچه در خاوران نامه ابن حسام می بینیم.

Archive of SID

www.SID.ir

تصویر ۱۲- واقعه دشت کربلا، اثر محمد مدبر ، بدون تاریخ، ۱۹۸،۲۵۱، ماخذ: موزه رضا عباسی

تصویر ۱۳- بارگاه کیخسرو، شاهنامه فردوسی، محمد مدبر، بدون تاریخ، ۱۶۵،۱۰۵، ماخذ: موزه سعدآباد

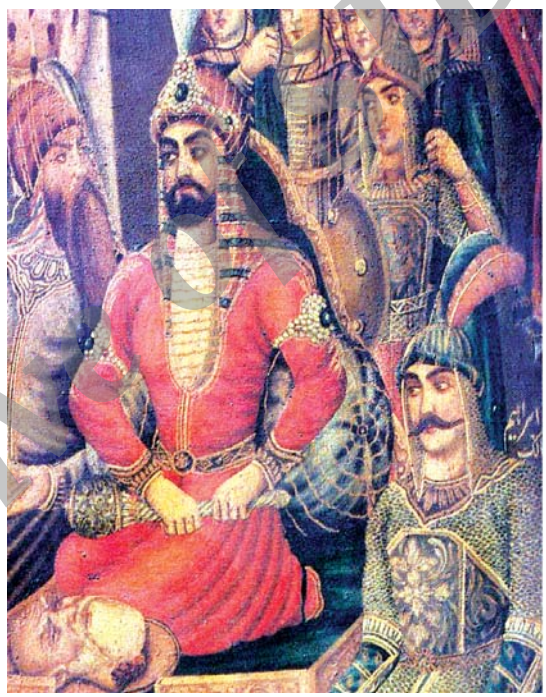

تصویر ۱٤- مختار و قهرمانان مذهبی در نقاشی قهوه خانه ای

تصویر ۱۵- رستم و پهلوانان ملی در نقاشی قهوه خانه ای بخشی از تصویر ۱۵

مرکز تصویر نشسته، حضور حسنین در کنار ایشان، و وجود سردار بزرگ شان مالک اشتر در کنار تصویر شیری که در پای حضرت نشسته است، همه نشان از حضور همه اسطوره های مذهبی ایران زمین در پهنه یک تابلوی نقاشی قهوه خانه ای دارد. (تصویر ۱۰)

ن- علاقه و شیفتگی مردم به واقعه عاشورا و گزینش نمونه های ملی مشابه با آن

مضامین شاهنامه به عنوان یکی از مهم ترین منابع مکتوب در حوزه نقاشی قهوه خانه ای حضوری چشمگیر داشته است، رستم دستان محبوب ترین شخصیت شاهنامه، از همان سده های اول سرایش این اثر بزرگ توسط فردوسی، پای ثابت نقاشی های شاهنامه بوده است. و محبوب ترین تصاویر به وجود آمده براساس شاهنامه فردوسی هم به نوعی مرتبط با شخصیت او می باشد. حتی داستانی مثل کشته شدن سیاوش در توران هم می تواند به نوعی با شخصیت رستم مرتبط باشد؛ زیرا تربیت این شاهزاده جوان را کاووس شاه به رستم سپرده بوده است، و همین تربیت است که از سیاوش شاهزاده ای دلیر و خردمند، و از مرگ او در غربت،مرگی شهادت گونه می سازد.

دو بخش از زندگی سیاوش، مورد علاقه نقاشان قهوه خانه ای بوده است. اول؛ گذشتن ظفرمندانه او از آتش برای اثبات بی گناهی اش درباره تهمتی که به او زده شده (تصویر ۱)، و دیگری لحظه کشته شدنش در نهایت مظلومیت و غربت، که هر دوی این تصاویر سابقه ای بسیار طولانی در نقاشی ایرانی (نگارگری) دارند.(تصویر۱۱)

www.SID.ir

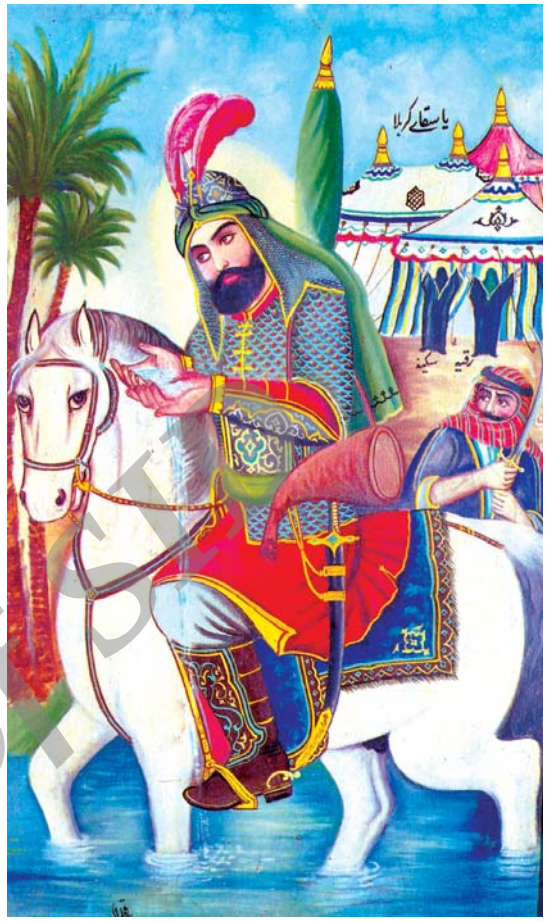

تصویر ۱۶- یا سقای کربلا، حسین قوللر آغاسی، بدون تاریخ، ۶۷،۱۰۳، ماخذ: موزه رضا عباسی

یکی دیگر از دلایل اهمیت پیدا کردن موضوع مرگ شهادت گونه سیاوش نزد نقاشان قهوه خانه ای را می توان در اعتقادات مذهبی آنان جست وجو کرد. نمونه های کشته شدن سیاوش و ایرج یادآور شهادت حضرت امام حسین(ع) بوده و شاید بتوان آن را نمونه ای ایرانی از ماجراهای شهید دشت کربلا به حساب آورد و از این طریق دلیل استقبال گسترده مردم از این موضوع را تشخیص داد.(تصویر ۱۲)

مسئله مهمی که باعث افزایش ارزش و اعتبار رستم و افراد منسوب به او، (مانند سیاوش و کیخسرو) شده(در تاریخ تصویرگری داستان های شاهنامه چه در بین شاهان و چه در بین مردم عادی، از اهمیت و اعتبار خاصی برخوردار بوده است) وارستگی و خداجویی ویژه این شخصیت می باشد که توسط فردوسی به شخصیت رستم اضافه شده است. نبردهای او با دیوان و بیگانگان که پیروزی همیشگی او را به همراه داشته، زمانی برای مردم از جذابیت جاودانه ای برخوردار می گشت که می دیدند پهلوان شان بدون ذکر نام خدا و توکل بر حضرت حق وارد میدان نبرد نشده و در پایان نیز شکر خدا را فراموش نمی کردند، چنان که در جایی پس از نبرد با اژدها و بریدن سر او، سر و تن خود را شسته و می گوید:

چو رستم بر آن اژدهای دژم
نگه کرد بر زد یکی تیز دم
بیابان همه زیر او بود پاک
روان خون گرم از بر تیره خاک
تهمتن از او در شگفتی بماند
همی پهلوی نام یزدان بخواند

تصویر ۱۷- رستم و سهراب، شاهنامه فردوسی، حسین قوللر آغاسی، بدون تاریخ، ۱۶۰،۱۰۰، ماخذ: مجموعه شخصی

Archive of SID
www.SID.ir

به آب اندر آمد سر و تن بشست
جهان جز به زور جهانبان نجست
به یزدان چنین گفت کای دادگر
تو دادی مرا دانش و زور و فر
که پیشم چه شیر و چه دیو و چه پیل
بیابان بی آب و دریای نیل
بد اندیش بسیار و گر اندکیست
چو خشم آورم پیش چشمم یکیست
(شاهنامه، ۱۳۸۷، ۱۹۹)

موضوع محبوب دارالانتقام مختار که به خون خواهی حضرت امام حسین(ع) قیام کرده بود را می توان با موضوع قصاص خون سیاوش توسط فرزندش کیخسرو مقایسه کرد، نقاش قهوه خانه ای هیچ گاه به تصویر کردن صحنه های متاثر کننده قناعت نکرده، بلکه نقاشی صحنه های انتقام و بازپس گیری خون به ناحق ریخته شده این مظلومان را هم سرلوحه کار خود قرار داده است.(تصویر ۵)

در این بین تابلوهای بارگاه کیخسرو از دو جهت مورد اهمیت است؛ اول تابلوهای مربوط به کیخسرو، یکی انتقام خون به ناحق ریخته شده پدرش که به دستور افراسیاب انجام گرفته بود. و دیگری جمع شدن تعداد زیادی از پهلوانان و اسطوره های شاهنامه فردوسی در یک تابلو به رهبری کیخسرو است که برای مردم ایران در سال های اوج نقاشی قهوه خانه موضوعی حسرت برانگیز به حساب می آمد.(تصویر ۱۳) ردم با سفارش این اثر به نقاش قهوه خانه ای، هم آرزویشان را برای داشتن سردمدارانی مثل افراد حاضر در این تابلو ابراز می داشتند و هم رضایت خود را از به وجود آمدن شرایط قصاص خون سیاوش به نمایش می گذاشتند. (تصاویر ۱۴و۱۵)

به راحتی می توان رضایت مردم و هنرمندان روزگار قحط الرجال اواخر قاجار و اوایل پهلوی را که از نزدیک شاهد، قربانی شدن سرداران ملی و مذهبی خود در پای حاکمان زورگو و جبار روزگار پس از مشروطه بوده اند از دیدن تابلوهای حماسی دارالانتقام مختار و بارگاه کیخسرو تشخیص داد.در دارالانتقام، مختار سردارانی مثل مختار و ابراهیم بن مالک اشتر بر تخت فرمان روایی نشسته و شاهد اجرای سخت ترین مجازات ها بر ابن زیاد، شمر و عمر بن سعد هستند.از آن سو در بارگاه کیخسرو نیز، پادشاه خردمند و فرزانه شاهنامه فردوسی بر تخت پادشاهی نشسته و سرداران و پهلوانان میهن پرست و مردم دوستی چون رستم، گیو، گودرز کشوادگان، سپهدار طوس و غیره او را همراهی می کنند.

نقاش قهوه خانه ای با انتخاب این بخش های حماسی از موضوعات ملی و مذهبی توانسته آرمانی ترین و در عین حال رویایی ترین فضای مورد علاقه مردم روزگار پس از انقلاب مشروطیت را به تصویر بکشد تا به این ترتیب به رسالت قدیمی خود در همراهی و هم گامی با رویاها و آرزوهای مردم کوچه و بازار جامه عمل بپوشاند.در بینش نقاش قهوه خانه ای، نگاه حسرت بار حضرت ابوالفضل(ع) به آب در یک پرده مذهبی (تصویر ۱۶) که احساسات و عواطف مردم شیعه ایران را به اوج خود می رساند، با نگاه غم بار رستم دستان به چشمان سهراب در یک پرده ملی (تصویر ۱۷) تکمیل می شود و به این ترتیب آثار نقاشی قهوه خانه ای به اسنادی مهم از ارائه روحیات و عواطف و خواست های مردم ایران تبدیل شده است.

در واقع «بخش بسیار مهمی از نقاشان این دوره که نام خود را نقاشان خیالی ساز نهادند، تمامی عمر خود را وقف هنر عامه کردند و در فرهنگ عامه قدم خالصانه ای برداشتند» (شایسته فر، ۱۳۸۶، ۷) و نقاشـــــــی عامیانه با مضامین حماسی- مذهبی در میان مردم رواجی فراوان و گسترده یافت چنانچه در بیش تر اشکال هنری ظهور یافت.

نتیجه

نقاش قهوه خانه ای در پاسخ به افکار و مکنونات قلبی و خواسته ها و علائق ملی و مذهبی مردم با مراجعه به ادبیات مکتوب و شفاهی ایران اسلامی و فرهنگ تشیع و با بهره گیری از نقطه اوج بعضی از داستان ها که عموما درباره پهلوانی، ایثار، شهادت، مقاومت و قصاص خون های به ناحق ریخته شده بوده است، توانسته نقش قابل قبولی متناسب با اوضاع اجتماعی زمان خود ایفا نماید.نقطه مشترک در این نقاشی ها پیوند عنصر ایرانی و اسلامی بوده است. عنصری که در بعضی مواقع چنان در هم تنیده شده که دیگر نمی توان فاصله ای بین مضامین ملی، مذهبی و حماسی در این تابلوها قائل شد. نقاشی قهوه خانه ای با گزیده گویی و تمرکز بر نکته های مورد علاقه فرهنگ عمومی مردم، توانسته آن چیزی را که مردم به دنبال آن هستند، یافته و در نقاشی های خود به تصویر بکشد. ادبیات مکتوب و شفاهی فارسی را باید به عنوان منبع شکل گیری و همین طور الهام بخشی این احساسات و عواطف در نظر گرفت.این عناصر مهم گاه در نگاه حسرت بار حضرت ابوالفضل(ع) به آب (تصویر ۱۸) و گاه در چهره غم بار رستم پس از شکافتن پهلوی

Archive of SID

www.SID.ir

فرزندش (تصویر ۱۹) دیده می شود و نشان از درک درست نقاش قهوه خانه ای از عواطف، احساسات و آرمان های ملی و مذهبی مردم ایران دارد.به این ترتیب نتایج اصلی در موردحضور ادبیات فارسی و موضوعات ملی و مذهبی در نقاشی خیالی نگاری قهوه خانه ای را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱-پاسخ گویی به بعضی از خواسته ها و سفارش های شخصی مردم.

۲- شکل گیری اثردر جهت بر طرف کردن نیازهای روحی و روانی مردم در مقابل حوادث سیاسی- اجتماعی.

۳-علاقه به مضامین قرآنی که موجب شکل گیری موضوعات مربوط به قصص قرآنی شده است.

۴-در مواردی تاثیر ادبیات بر نقاشی خیالی نگاری از جهت استفاده از ویژگی های توصیفی و زیبایی های تصاویر ادبی بوده است.

۵-سفارش اثر توسط مشاغل خاص که موجب حضور یک موضوع ادبی در آثار خیالی نگاری می شده است.

۶-مراجعه به موضوعات مذهبی مثل حوادث عاشورا و وقایع مربوط به ائمه دیگر، به جهت پاسخ گویی به خواسته ها و عواطف و علاقه های مذهبی مردم.

۷-گرایش به ادبیات جنبه کارکردی پیدا کرده، موضوعات ادبی هدف نهایی نبوده اند بلکه به عنوان منبعی غنی از اطلاعات تصویری به آن ها رجوع می شده است.

منابع و ماخذ

آژند، یعقوب، مکتب نگارگری اصفهان، چاپ اول، فرهنگ و ارشاد اسلامی. فرهنگستان هنر، تهران، ۱۳۸۵.

بلوک باشی، علی، قهوه خانه های ایران، چاپ اول، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵.

پاکباز، روئین، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، چاپ دوم، زرین و سیمین، تهران، ۱۳۸۰.

پاکباز، روئین، دائره المعارف هنر، چاپ اول، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۸.

دانشور، سیمین، علم الجمال و جمال در ادب فارسی، چاپ اول، قطره، تهران، ۱۳۸۹.

رجبی، محمد علی، «مکتب خیالی نگاری»، کتاب ماه هنر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شماره های ۴۵و۴۶، تهران. خرداد و تیر ۱۳۸۱، ۲۵-۴۳.

سیف، هادی،نقاشی قهوه‌خانه، موزه رضا عباسی، تهران، ۱۳۶۹.

شایسته فر، مهناز،حضور واقعه عاشورا در نقاشی دوران قاجار، نگره، سال سوم، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۶

فاضلی، نعمت الله، «فرهنگ عامه و ادبیات عامیانه فارسی»، کتاب ماه هنر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، شماره های ۴۳و۴۴، ۲۵-۴۳.

فتاحی ثانی سبزه وار، الهام و پور رضائیان، مهدی ، چگونگی تصویر سازی را در الگوی روایتگری قصه در قرآن کریم، نگره، سال پنجم ، شماره ۱۰، بهار ۱۳۸۸.

فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، چاپ چهارم، هرمس، ۱۳۸۷.

قندی، سیاوش، «نقش شاهنامه در هنرهای بومی»، کتاب ماه هنر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شماره ۳۹، آذر و دی، تهران، ۱۳۸۰، ۲۵-۴۳.

کاهن، کلود، وم. کبیر، بویهیان، ترجمه یعقوب آژند، چاپ اول، مولی، تهران، ۱۳۸۴.

کن‌بای،شیلا،نگارگری‌ایرانی،ترجمه‌مهناز‌شایسته‌فر،چاپ‌اول،مؤسسه‌مطالعات‌هنر‌اسلامی،تهران،۱۳۸۱.

نظامی گنجوی، خمسه (هفت پیکر)، چاپ دوم، هرمس، تهران، ۱۳۸۷.

Archive of SID

www.SID.ir